حروف شرط و تفصیل و مصدر

احکام إن و لو شرطیه

إن برای استقبال است و اگر بر ماضی داخل شود حکمش جزم است. إن تقم أقم.

لو برای ماضی است و اگر بر مضارع داخل شود جزم نمی دهد. لو قمتَ أو تقوم قمنا.

نکته:

۱- لو هم چنین برای مستقبل هم می باشد. و لو تلتقی أصداؤنا بعد موتنا.

۲- حکم جواب إن در باب جوازم گذشت.

اما جواب لو پس هرگاه ماضی مثبت باشد به لام مقرون می شود. لو اجتهت لنجحتَ.

منفی به ما باشد جایز به لام مقرون شود. لو تروَّیتَ لما أو ما أخفق معیک.

منفی به غیر ما باشد به چیزی مقرون نمی شود.

و گاهی أن به لو شبیه می شود پس جایز است خبرش به لام مقرون شود.

أصفح عن ذنبی و إلّا لَمُتُّ کَمداً.

۳- إن و لو وصلیه می باشند و هرگاه بعد واو واقع شوند، به جواب نیازی ندارند و به إن و لو تثبیت معنای سابق اراده می شود.

أکرم أباک و إن وبَّخک. لاتقبل الخبر من کذّاب و لو أتاک بحدیثٍ عُجاب.

۴- لو به غیر شرط می آید پس برای عرض و تمنی یا تقلیل می باشد. تصدَّق و لو بدرهم.

و مصدریه به منزله أن می باشد و لو بیشتر بعد وَدَّ و یَوَدُّ واقع می شود.

۵- لو به همراهی با أنَّ اختصاص دارد. لو أنّهم صبروا لفازوا.

و جایگاهش با صله اش بنابر ابتداء رفع است و به خبر احتیاج ندارد به خاطر اینکه با صله اش، مسند و مسند الیه را شامل می شود و یا فاعل برای فعل مقدّر است ← لو ثبت صبرهم.

احکام أما

أمّا برای تفصیل است و جانشین ادات شرط و فعل شرط است پس تقدیر آن مهما یکن من شیءٍ أو إن سألت عن فلان فهوکذا و جوابش وجوباً به فاء مقرون می شود.

أمَّا زیدٌ فأکرمتُهُ و أمَّا عمرٌو فأهنتهُ.

نکته:

۱- گاهی أمَّا تکرار می شود و گاهی تکرار نمی شود.

فأمَّا الذین آمنوا باللهِ و اعتصموا به فسیدخلهم فی رحمة منه.

۲- بین أما و فاء جدا می شود با:
- مبتدا: أمَّا العلمُ فشریفٌ.
- خبر: أَمَّا فی الدَّار فزیدٌ.
- جمله شرطیه: فأمّا إن کان من الأتقیاء فله الجنة.
- اسم منصوب به جواب: فأمّا الیتیم فلا تقهر.
- اسم معمول به فعلی که حذف شده و فعلی که بعد فاء است آن تفسیر می کند: أمّا الکسل فاترکه.
- ظرف: أمّا الیوم فإنّی راحلٌ.

۳- گاهی میم اول أمّا به یاء ساکن تبدیل می شود.

رأیت رجلا أیما إذا الشمس عارضت فیضحی و أیما بالعشی فیخصر

أمّا حرف تفصیل است زمانی که قبلش جمله ای باشد که آن را شرح می دهد.

أحکام إمّا

إمّا در همه احکامش به منزله أو است پس برای تفصیل می باشد.

إنّا هديناه السبيل إمّا شاكرا و إمّا كفورا.

هرگاه إمّا با واو بیاید حرف عطف است.

و برای
- **شک** است وقتی نمی دانیم و شک می کنیم حکم برای معطوف یا معطوف علیه است.
  زاره إمّا زيدٌ و إمّا عمرٌو.
- **تخییر** (انتخاب) است. تعلّم إمّا الصرف و إمّا النحو.

نکته:

هنگامی که «إما» متاخر ذکر شد تکرار شد و هنگامی که مقدم شد جایز است که به جای إما بعدی أو یا إلّا بیاید:

إمّا تدفع ما عليک أو تسجن. و جایز است. و إمّا تسجن.

و إمّا أن تتكلّم بالخير و إلّا فاسكت.

و گاهی میم اول به یاء ساکن تبدیل می شود. إيْما إلى جنة إلى نارٍ.

أحکام حروف مصدر

ما، أن، لو به جمله فعلیه و أنّ به جمله اسمیه و لکی به مضارع اختصاص دارد.

أعجبنی ماصنعتَ أو أن تصنعَ← صنعُک. بلغنی أنّ زیدا قائم← قیامه.

جئتَ لکی تتعلّم← للتعلّم. و ودتُ لو برئتَ و أودُّ لو تبرأ من علّتک.

نکته:

۱-حروف مصدر به فعل متصرف وصل می شود زیرا فعل جامد تأویل به مصدر برده نمی شود.

۲-ما از ظرف زمان حذف شده اضافه شده به مصدری که تأویل برده شده با صله اش به مصدر نیابت می کند. لاأفعله ما طلعت الشمس← مدّة طلوع الشمس.

ما غالبا وصل می شود به ماضی مثبت و مضارع منفی به لم:

ولایلبثُ الجهال أن یتهضموا أخا العلم ما لم یستعن بجهول.

مضارع مثبت: أکلّمک ما ینوح الحمام.

جمله اسمیه: واصل خلیلک ما التواصل ممکن فلأنت أو هو عن قریب ترحل.

و هم چنین مصدریه محض جایز است که به جمله اسمیه وصل شود.

أحلامکم لسقام الجهل شافیة کما دماؤکم تشفی من الطلب